

قانون کار هم در کردستان وجود دارد؟!!

کارگران مردم شریف کردستان :

در هفته نامه سیروان به شماره ۳۹۷ سال هشتم مورخ ۸۵/۶/۱۱ مطلبی به چاپ رسیده تحت عنوان " فرهنگ کارگری و کارفرمایی در کردستان وجود ندارد " از اظهارات رئیس سازمان کار استان در خصوص تحسن کارگران کارخانه پرریس کردستان .

من از این صراحت بیان آقای رستمیان خیلی خوشحال هستم زیرا که بالاخره یک نفر از مسئولان استان کردستان صادقانه و بدون توهم رسماً از کارفرما حمایت کرده و کارگرانی را که خواستار کار بودند مخل نظم ، دیسپلین کارگاه و مشکل دار به اذهان عمومی معرفی کرده است . ما سالهاست به کارگران می گوییم که اداره کار مربوط به کار فرماست نه ما؟! می گوییم که در اداره کار استان کردستان هر وقت کارگری از حقوق خود برابر همان قانون کار دفاع کند، بلافاصله صدها مارک و آرم به او وصله می زنند؟! و به دستور کسانی که هیچ وقت هویت آنان برای مردم و کارگران مشخص نیست از کار اخراج می شوند و در هیچ مرجعی به آنان اجازه دفاع نمی دهند، اگر هم زیاد پیگیر مطالبات خود شوند آنان را به نام قانون ضد انقلاب و محارب معرفی می کنند.

واقعاً برای من که مدت زیادی است با قانون کار سروکار دارم جالب است که یکی از مسئولان استان سخن از قانون می راند . ولی بغل منزل خودش یعنی خبازی سر کوچه که هر روز سه وعده نان مصرفی مسئولان در آن خبازیها تهیه می شود با گذشت ۶ ماه از سال کارگران هنوز دستمزد سال قبل را دریافت می کنند!! جالب است که آقای رستمیان از قانون صحبت می کند. اگر شما که در مصاحبه خود از قانون حرف زده اید ، برای یک بار هم که شده به بایگانی اداره کار مراجعه کنید و پرونده ها را مطالعه کنید ،می بینید که در آن پرونده های راکد، صدها نفر از کارگران را چطور قربانی اهداف شوم مسئولان وقت کرده اند. به قول آقای فریدونی که نماینده اداره کار بود در دیوان عدالت اداری (پرونده مربوط به من بود) رو به قاضی گفت " آقای قاضی این پرونده سیاسی است " ؟ قاضی از زیر عینک خود به آقای فریدونی نگاهی کرد و گفت " آقای عزیز شما از کردستان آمده ای تا ما را بترسانید ، این آقا در خواست کار کرده ،چه ربطی به مسایل سیاسی دارد " .

من در این نوشته نمی خواهم تمام وقایع چند سال گذشته را بازگو کنم . ولی من مثل آقای رستمیان نه کارمند وزارت کار هستم و نه مقام دولتی دارم تا به کارگری که مدت ۲۵ سال برای کارفرما و انباشت سرمایه برای او، تمام توان جسمی و روحی خود را از دست داده بگویم " اگر کارگرها می خواهند رزق حلال ببرند خانه، روزی حلال بخورند کاری به مسایل حاشیه ای و سیاسی نداشته باشند ". واقعاً جالب است ، کارگری که در شبانه روز ۱۵ ساعت برای اینکه زنده بماند کار می کند و بارها مشاهده شده که کارگران بر اثر اضافه کاری اجباری در جلو دستگاه های تمام اتوماتیک جان خود را از دست دادند ، کارگران شهرداری ، پرستاران ، برق ، آب، مخابرات ، راه و ترابری ، شرکت واحد ، نساجی ، خبازان ، ساختمانی و رانندگانی که ۱۰ ساعت پشت فرمان مثل یک شیء جامد رانندگی می کنند ، اگر "رزق آنان حلال نباشد" ، چطور کسانی که اصلاً معنای کار را نمی دانند رزق آنان حلال است؟! و شما برای آنان دست به دعا ایستاده اید.

آقای رستمیان جنابعالی بر بستر قدرت نشسته ای و نه از سرمایه زمستان ، نه از گرمای تابستان ، نه از تهدید به بیکاری از طرف کارفرما خبر دارید ، نه از طرف نیروهای امنیتی تنها به جرم دفاع از حقوق کارگران مورد تعقیب هستی و نه از نظر مالی هم مشکل دارید . پس به ظاهر به همین دلایل است که از دلسوزان طبقه کارگر خواسته ای با شما مناظره کنند.

من به عنوان یک کارگر خباز این پیشنهاد شما را قبول دارم و حاضرم در هر کجا که جنابعالی تعیین کنید به مناظره بنشینم . اما به آن شرط که زنده و تمام صحبت هایمان بدون سانسور در اختیار عموم قرار گیرد . من به این اعتقاد دارم که باید مردم حرف ما کارگران و حرف شما مسئولان را بشنوند و آن وقت از مردم نظرخواهی کنیم .

سقز محمود صالحی

۱۳۸۵/۶/۲۴